اباعبدالله علیه السلام مظهر فضايل

موضوع: اباعبدالله مظهر فضايل

قال الله تبارک و تعالي «مَنْ عَمِلَ صالِحاً مِنْ ذَکَرٍ أوْ أنثي وَهُوَ مُؤمِنٌ فَلَنُحيِيَنَّهُ حَياهً طَيِّبَهً».[1]

مقدمه

دومين روز از ماه محرم است، روز ورود اباعبدالله به سرزمين کربلا است. روايتي از امام صادق علیه السلام عرض مي کنم و مي خواهم از اين روايت دربارة وجود مقدس اباعبدالله و صفات و ويژگي هاي آن حضرت نتيجه بگيرم. همه مي دانيد که قلب و روح انسان تحت تأثير عوامل بيروني است؛ بعضي از آدم ها شيطان روي قلبشان نفوذ دارند و بعضي ها فرشته ها و ملائکه روي قلبشان نفوذ دارد، اين ها را، قرآن مي‌فرمايد:«هَلْ أنَبِّئُکُمْ عَلي مَنْ تَنَزَّلَ الشَّياطين»[2]؛ مي خواهيد به شما بگويم شيطان بر که نازل مي شود؟ «تَنَزَّلُ عَلي کُلِّ أفّاکٍ أثيمٍ»[3]؛ آدم هايي که دروغگو هستند.«أفّاک»؛يعني کذب، اهل صداقت نيستند؛و «أثيم» يعني گنه کارند، شيطان بر اين ها نازل مي شود. البته شيطان در سه مرحله سراغ اين آدم ها مي آيد؛ مرحلة اول او را وسوسه مي کند، کنترل از راه دور دارد؛«إنَّ الشَّياطينَ لَيْوحْونَ إلي أوْليائِهِمْ»[4] از راه دور کنترل مي کند و وسوسه مي کند اگر ديد با او راه مي آيد و حرف پذيري دارد بر او فرود مي آيد، مي فرمايد: تَنَزَّلُ الشَّياطين، يعني بر او نازل مي شوند و در قلبش فرود مي آيند، قرآن مي فرمايد: «فَهُوَ لَهُ قَرينٌ»[5]؛ همراهش مي شود و هيچ جا او را تنها نمي گذارد. نقطة مقابل آن فرشته ها هستند، خدا در قرآن مي فرمايد: فرشته هم همين سه حالت را دارد: يا درود مي فرستد و به قلب مؤمن الهام مي کند؛ يا به او نازل مي شود؛ «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ».[6] فرشته بر مؤمنين و آدم هاي صالح و متدين نازل مي‌شود قرآن مي فرمايد: قلب انسان يا فرودگاه فرشته است: تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُاست، يا فرودگاه شيطان، مي فرمايد: «هَلْ أُنَبِّئُكُمْ عَلَى مَن تَنَزَّلُ الشَّيَاطِين»، «تَنَزَّلُ عَلَى كُلِّ أَفَّاكٍ أَثِيم»؛يا شيطان وسوسه مي کند يا فرشته الهام مي‌کند. يا شيطان فرود مي آيد يا فرشته فرود مي آيد.

زندگی شیطانی و رحمانی

کسي که در زندگي اش فکر بد، وسوسه، خواب هاي ناروا و خيانت باشد اين شيطاني است. و کسي که در زندگي اش نورانيت، خواب خوب، فکر پاکيزه باشد اين رحماني است. پس انسان نمي تواند بي تفاوت باشد، انسان يک خواطري دارد، يک خيالات و اوهاماتي دارد؛ مثلاً يک جايي نشسته اي اما فکرت جاي ديگري مي رود، شب خوابيدي خواب مي بيني، و يا ناگهان به قلبت چيزي القا مي شود. اين ها دست خود انسان نيست بستگي دارد چه کسي به ما خط دهد. قرآن مي گويد بعضي ها را شيطان خط مي دهد: تَنَزَّلُ الشَّيَاطِين[7] و بعضي ها را فرشته ها و ملائکه: «تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ.» حال آيا اين موارد پارتي بازي است؟ آيا يک عده اي را به شيطان و يک عده اي را به فرشته مي سپارند؟ خير چنين نيست اين بستگي به اين فرودگاه دارد اگر قلب سليم باشد مال فرشته است، و اگر قلب مريض باشد مال شيطان است. آنهايي که «في قلوبهم مَرَضٌ[8]، تَنَزَّلُ الشَّياطين»[9] و آن هايي که قلبشان« لَا يَنفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُون. إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيم[10]آنها تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ. » اين بستگي به خود انسان دارد، «وَالْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرُجُ نَبَاتُهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ» ، جايي که شما درختي کاشتي اگر خاکش خوب باشد باران که مي خورد، خوب رشد مي کند و گل مي دهد. «وَالَّذِي خَبُثَ»[11] اما جايي که شوره زار است اگر درخت بکاري هر چه آب بدهي خشک مي شود و چيزي عمل نمي آيد. تنها فاعليت فاعل کافي نيست بلکه قابليت هم لازم است. باران يکي است ولي اين بذر قابليت دارد درخت مي شود، اين يکي قابليت ندارد شوره مي زند. قلب يک قلب يک قلب است، يکي: «تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ»، و ديگري «تَنَزَّلُ الشَّياطين». يکي «إِنَّ الشَّيَاطِينَ لَيُوحُونَ إِلَى أَوْلِيَآئِهِمْ»[12] و ديگري ملائکه «يصلي عليه»؛ ملائکه بر آن درود مي فرستند. اين مقدمه را گفتم که بدانيد انسان نمي‌تواند نسبت به وسوسه ها و الهام ها بي تفاوت باشد بلکه تحت تأثير آنها قرار مي گيرد. حال حديث امام صادق را بيان کنم که چه کنيم مصداق «تَنَزَّلُ الشَّياطين» نشويم، بلکه مصداق «تنزيل الملائکه» شويم.

فضايل

امام صادق علیه السلام فرمود: قال ابليس؛ شيطان مي گويد«:خَمْسَهُ أشياءَ لَيْسَ لِي فِيهِنَّ حُيلَهٌ وَ سائِرُ النَّاسِ في قَبْضَتي»؛ پنج گروه هستند که من در آنها راهي ندارم، فرودگاهشان به روي من بسته است، من نمي توانم آن جا بال و پر بيندازم، حريف آنها نمي توانم بشوم، ولي بقيه پيرو من هستند. يک وقت مي گويند اين فرودگاه به روي فلان پرواز بسته است، برج مراقبت اجازه نمي دهد بنشيند، الان پروازهاي اسرائيلي در کشور ما حق ندارند بنشينند، اين فرودگاه است که تعيين نمي کند کدام پرواز بنشيند. فرودگاه قلب ما مي‌گويد اگر اين صفات را داشتي شيطان نمي تواند فرود بيايد. حال اين صفات چيست؟ اين حديث خيلي زيباست.

1. نيت صادق و توکل بر خدا

يک: «مَنِ اعتَصَم باللهِ عَن نيه صادقه وَاتّکلَ علَيه فِي جَميعِ أمورهِ»؛ کسي که نيتش صادق باشد و توکلش به خدا باشد و در نيتش دروغ و کذب و ريا نباشد. روايت است از امام صادق پرسيدند: آقا، کم عقل ترين آدم چه کسي است؟ - من و شما به کسي که ورشکست شود و نتواند خوب کار کند و ضرر کند کم عقل مي گوييم- امام صادق علیه السلام فرمود: کم عقل کسي است که عبادت بکند اما ريا باشد، مثلاً نماز بخواند اما براي مردم بخواند، صدقه مي دهد اما براي مردم مي دهد. حج مي رود اما به خاطر مردم. حضرت فرمود: اين خيلي کم عقل است، چرا؟ چون اين کسي است که به خاطر او عبادت کردي نمي تواند به تو اجر بدهد، اين هم مثل خودت قيامت گرفتار است، اين کم عقلي است که شما کار را براي کسي انجام بدهيد که نمي تواند به شما نمره بدهد. کار را براي کسي انجام بدهيد که نمي تواند به تو امتياز بدهد. لذا در روايت است که روز قيامت به انسان مراعي و رياکار مي گويند اي خاسر، اي کافر[13]، اي زيانکار، اي کسي که کفر ورزيدي، اعمالت را از بين بردي. من يک حديث زيبايي از امام رضاعلیه السلام ديدم، فرمود: هر انساني که صبح از خانه بيرون مي آيد هم شيطان به سراغش مي آيد و هم فرشته، هر دو با هم مي آيند که ببينند انسان آمادگي چه چيزي را دارد. مثل بچه اي که هم رفيق خوب به سراغش مي آيد و هم رفيق بد. مثل اينترنت که هم سايت بد دارد و هم سايت خوب. مثل کسي که هم مي تواند نوار قرآن گوش دهد و هم موسيقي. بعد فرمود: اگر انسان وقتي از خانه اش بيرون مي آيد بگويد: «بِسْم اللهِ آمَنتُ بِاللهِ تَوَکَّلتُ عَلَي الله مَا شاء اللهُ لَا حُولَ وَلا قُوّه إلّا بِالله»، اين کلمات را بگويد، فرشته رو به شيطان مي کند، مي گويد: برو اين آدم مال من است با اين کار نداشته باش، چون هم اسم خدا را برد گفت: بِسْم اللهِ، و هم گفت: به خدا ايمان دارم؛ آمَنتُ بِاللهِ و هم گفت: به خدا توکل مي کنم؛ «تَوَکَّلتُ عَلَي الله،و هم گفت:مَا شاء اللهُ لَا حُولَ وَلا قُوّه إلّا بِالله»[14]هيچ قدرتي غير از خدا به درد نمي خورد فقط خداست که قدرتش اصلي است هر قدرتي که ما داريم از خداست. به تعبير يکي از اساتيد ما مي فرمود: وقتي مي خواهند گوسفند را سر ببرند، قرآن مي‌گويد اگر «بسم الله»

هر دو يک کارد و چاقو دارند، هر دو برادرند، مانند هم دو گوسفند را دارند ذبح مي کنند حال اگر يکي بگويد: «بسم الله الرحمن الرحيم» اين گوشت حلال است، اما اگر يکي عمدي بگويد من «بسم الله را نمي‌گويم» قرآن مي گويد اين ميته است، مردار است آن را بايد بيرون انداخت. بنابراين حيواني که بر آن بسم الله نگوييد مردار است. حال آدمي که نام خدا در زندگي اش نيست آيا مردار نيست؟ چرا مشرک نجس است؟ او حمام رفته، خودش را تميز شسته الان از حمام با لباس تميز و نظيف بيرون آمده، اما قرآن مي گويد حق ندارد به مسجدالحرام بيايد: «إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ فَلاَ يَقْرَبُواْ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ»[15] نمي تواند وارد مسجدالحرام شود. کجاي مشرک نجس است؟ مشرک که تميز و پاکيزه است. قرآن اهل کتاب، يهود و مسيحي را نجس نمي گويد فقط مشرک و بت پرست را مي گويد. چگونه يک گوسفند بدون بسم الله ميته مي شود، آدمي که خدا او را آفريده به او شعور و درک داده حال جلوي بت خم مي شود! اين نجس است، اين فطرتش را زير پا گذاشته، اين مردار و ميته است. اين ظاهرش انسان است، ميت الاحياست. پس اگر کسي که صبح از خانه اش بيرون مي آيد بگويد: «بِسْم اللهِ آمَنتُ بِاللهِ تَوَکَّلتُ عَلَي الله مَا شاء اللهُ لَا حُولَ وَلا قُوّه إلّا بِالله»، شيطان به سراغش نمي آيد.شخصي آمد خدمت پيامبر اکرم گفت: يا رسول الله، مي خواهم رزقم زياد شود، فرمود: «دُمْ عَلَي الطَّهارَه»[16]؛ دائماً با وضو باش. اگر پاکيزه بودي رزقت هم زياد مي شود. اين طهارت فقط وضوي ظاهري نيست، خدا مي فرمايد: من انسان پاکيزه را دوست دارم؛ فِيهِ رِجَالٌ «يُحِبُّونَ أَن يَتَطَهَّرُواْ وَاللّهُ يُحِبُّ الْمُطَّهِّرِين».[17] انسان پاکيزه کسي است که هم وضوي ظاهري دارد و هم وضوي باطني. هم نگاهش به نامحرم و حرام نيست و هم لقمة حرام در زندگي اش نيست. خداوند مي فرمايد من اين را دوست دارم چون پاکيزه است و آلودگي ندارد. پس اگر امام صادق علیه السلام فرمود شيطان مي‌گويد من حريف پنج گروه نمي شوم، 1- کسي است که نيتش پاک باشد و نام خدا در زندگي اش باشد.

2. ذکر زياد

«من کَثُرَ تسبيحُهُ في ليلَه و نهاره»؛ کسي که زياد تسبيح بگويد يک نوع تسبيح، تسبيحات حضرت زهراست که بعد از نماز گفته مي شود، غير نماز هم جايز است. کسي خدمت امام صادق علیه السلام آمد و گفت: آقا! شنوايي ام کم است. حضرت فرمود: برو تسبيحات مادرم زهرا را بگو. تسبيحات حضرت زهرا فقط مال نماز نيست اگر کسي صبح وقتي از خانه بيرون مي آيد آن را بگويد در وسعت رزق اثر دارد. يک تسبيح يعني «سُبحانَ اللهِ وَالحَمدُللهِ وَلاإله إلا اللهُ وَاللهُ أکبَر».روايت داريم وقتي ملائکه طواف مي کنند اين تسبيح را مي گويند. همچنين روايت داريم شبي که موسي به ميقات رفت خدا اين ذکر را به او ياد داد: «سُبحانَ اللهِ وَالحَمدُللهِ وَلاإله إلا اللهُ وَاللهُ أکبَر». يک نوع تسبيح، تسبيحي است که در رکوع گفته مي شود: «سُبْحانَ رَبّي العَظيمِ وَبِحَمدِه، سبحانَ رَبّي الاعلي وَبِحَمدِه». تسبيح يعني چه؟ يعني خدايا تو منزّهي، هيچ اشکال و عيب و نقصي در تو نيست. امام صادق علیه السلام فرمود: کسي که در زندگي اش تسبيح باشد شيطان حريفش نمي شود. حضرت عيسي وقتي آمد که مردم را به سوي خدا دعوت کند، شيطان سراغش آمد و گفت: عيسي، تو خودت خدايي، چرا مردم را به خدا دعوت مي کني؟ تو اگر خدا نيستي پس پدرت کيست؟ پدر همه مردم معلوم است، تو پدرت معلوم نيست پس خودت خدايي؛ لااقل پسر خدايي. عيسي تو که مرده را زنده مي کني، تو که کور شفا مي دهي، تو که معجزه مي کني. هر گونه عيسي از دست او فرار مي کرد او به سراغش مي آمد، مي خواست اعتقاد عيسي را خراب کند. هر چه کرد ديد نمي رود، گفت: سبحان الله، سبحان الله. چند مرتبه سبحان الله گفت، شيطان دور شد. شيطان گفت: جايي که اين کلمه باشد من نمي آيم چون داريد خدا را منزه مي شماريد. قرآن کريم مي فرمايد: اگر مي خواهي شيطان به سراغ شما نيايد: «فَاسْتَعِذْ بِاللّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيم».[18]

3. صبر بر مصيبت

«وَمَنْ لَمْ يَجْزَع عَلَي المُصيبَهِ حينَ تُصيبُهُ».شيطان از راه مصيبت مي تواند وارد شود کسي که مصيبت ديده ممکن است عنانش را از کف بدهد، خدايي نکرده کفر بگويد، خدايي نکرده به خدا بدبين شود، لذا فرمود: کسي که در مصيبت فرياد و جزع نکند شيطان مي گويد من راهم بسته شد، حريف اين نمي شوم. حضرت ايوب زمان دارايي اش، مي گفت: «خدا». زماني هم که نداشت مي گفت: «خدا»، وقتي سالم بود مي گفت: «خدا»، مريض بود مي گفت: خدا». بعضي ها حالتشان در مريضي و سلامتي با هم فرق مي کند. همين که خدا يک امتحان در زندگي شان مي گذارد، رفوزه و مردود مي شوند. در حالي که مؤمن در مصيبت چنين نيست. شما اباعبدالله را ببينيد، اين همه مصيبت ديد اما گفت: الهي راضي ام به رضاي تو.[19]من در تاريخ نديده ام کسي در اين فرصت کوتاه اين همه مصيبت برايش جمع شده باشد، ما ديده ايم که کسي داغ فرزند ديده، داغ پدر ديده، داغ برادر ديده؛ ولي کسي نبوده که در يک روز داغ برادر، داغ پسر، داغ شيرخوار؛ داغ پسر برادر، اسارت، تشنگي، و جان دادن، همه را با هم ديده باشد. پس براي هيچ کسي در تاريخ، همة اين ها در يک نصف روز هم زمان جمع نشده است، اما با وجود همة اين ها دائم مي گويد خدا، همه اش دعا و رضا؛ اين ارزش است.

حضرت فرمود سومين صفتي که موجب مي شود شيطان سراغ انسان نيايد اين است که انسان در مصيبت جزع و فزع نکند. ابوذر يک جواني داشت مُرد. اصولاً بيشتر بچه هاي او در زمان حيات خودش از دنيا رفتند. کسي آمد زخم زبان بزند. به او گفت: اباذر، خدا هر چه به تو اولاد مي دهد مي ميرند، اين پسرت هم که مرد. ابوذر نگاهي کرد و گفت: «الحمدلله الذي يأخُذُهُم من دارِ الفَناء، و يُدَخِّرُهُم في دارِ البقاء».[20]–اگر کسي مستأجر باشد وقتي خانه اي بخرد مردم به او تبريک مي گويند: الحمدلله که خانه دار شديد تا حالا مستأجر بوديد و حالا صاحب خانه شديد –گفت: خدا را شکر بچة من مستأجر بود، اين دنيا خانة استيجاري است و انسان در آن نمي ماند، و حالا فرزندم به خانة اصلي اش رفت، خدا را شکر که بچه ام از دار فنا به دار بقاء رفت. در اين دنيا اگر شما مستأجر باشيد وقتي سند خانه را بخواهيد آن را به شما نمي دهند، مي گويند مستأجر اين خانه هستيد بايد همة اموال دنيا را بگذاري و وارد قبر شوي. اما آنجا دار بقاست. کسي که نگاهش به دنيا نگاه به خانة مستأجري است و نگاهش به آخرت نگاه خانة ملکي است اين فرد هيچ وقت به اين دنيا دل نمي بندد. هيچ وقت غصه نمي خورد. فرزند جوان آقا امام صادق علیه السلام مريض بود، داشت جان مي داد و در حال احتضار بود، آقا بالاي سرش نشسته بود، گفتند: آقا بچه دارد جان مي دهد؛ ولي سخت جان مي دهد. حضرت فرمود: سورة صافات بخوانيد تا راحت جان بدهد. شروع به خواندن سورة صافات کردند، به آية يازدهم رسيدند بچه جلوي چشم پدر جان داد. امام فرمود: «إنّاأهْلَ البَيْتِ إنَّما نَجْزَعُ قَبْلَ المُصيبَهِ فإذا وَقَعَ أمرُ اللهِ»؛ ما اهل بيت قبل از مصيبت ناراحتيم، دلمان مي‌خواهد پيش نيايد –کسي هم از مصيبت خوشش نمي آيد، اما دنيا بي مصيبت نيست- اما وقتي پيش آمد، «رَضِينَا بِقَضائِهِ وَسَلَّمنا لِأمرِهِ»[21]؛ صبر مي کنيم. شب عاشورا حضرت زينب کمي غم دلش را فرا گرفت، بدنش لرزيد و صداي گريه اش بلند شد، امام حسين فرمود: خواهرم مواظب باش شيطان حلم تو را نبرد، خودت را نبازي، شيطان از همين جا نفوذ مي کند. زينب سلام الله علیهابلافاصله عرض کرد:«سَتَجِدُني کَما تُحِب»؛ برادر هر گونه تو مي خواهي من همان گونه خواهم بود. واقعاً هم همين گونه بود، اگر فرشته ها از صبر امام حسين تعجب کردند، جا داشته از صبر زينب هم تعجب کنند. در بعضي جاها نقل دارد: برادر، صبر را به عجز در مي آورم، کاري مي کنم صبر خسته شود، ولي من خسته نشوم.

4. هر چه را براي خود مي پسندد براي ديگران هم بپسندد

«وَمَنْ رَضي لِاخيه الْمؤمن ما يَرضاهُ لِنّفسه». يکي از راه هايي که شيطان نفوذ مي کند آبروي مردم، غيبت، تهمت و پشت سر مردم حرف زدن است، فرمود: کسي که هر چه براي خودش مي پسندد و هر چه براي خودش نمي پسندد براي مردم نيز نپسندد –براي خودت لباس نوي مي پسندي اما به مردم لباس کهنه مي دهي اين که درست نيست. براي خودت غذای خوب مي پسندي و براي مردم ته ماندة غذا را مي پسندي. امام رضا گُل غذا را به فقير مي داد، قبل از اين که شروع به خوردن کند براي فقير غذا کنار مي گذاشت. «وَيُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ»[22]؛ از بهترين و از خوب آن بدهيد. چطور شما براي مردم مي پسندي که دروغ بگويي اما براي خودت نمي پسندي که به تو دروغ بگويند. چرا دروغ مي گويي؟ وقتي نمي پسندي سرت کلاه بگذارند، چرا سر مردم کلاه مي گذاري؟ وقتي نمي پسندي پشت سرت سخن چيني کنند چرا پشت سر مردم سخن چيني مي کني؟ - فرمود: کسي که شيطان روي او نفوذ ندارد چيزي که براي خودش ني پسندد براي مردم هم نمي پسندد.

5. راضي به رضاي خداوند

«وَمَنْ رَضِيَ بِما قَسَمَ اللهُ لَهُ وَلَمْ يَهْتَمَّ لِرِزْقِهِ»[23]؛ کسي که راضي باشد به رزق الهي و به قضا و قدر الهي و غصة رزق و روزي را نخورد. ما اختيار داريم ولي خداوند براي ما قضا و قدر قرار داده، تقسيمي در زندگي قرار داده. خوب است انسان بگويد خدا من تلاش مي کنم ولي راضي ام به آن چيزي که تو پسنديدي. خدا به يکي دختر مي دهد، به يکي پسر مي دهد، و يکي هم اولاد ندارد، خلاصه هر کسي در زندگي اش مشکلاتي دارد و توفيقاتي. همة توفيقات براي يک نفر نيست، همه مشکلات هم براي يک نفر نيست. اصلاً دار دنيا اين گونه است. گاهي مي بينيد يک نفر توفيقاتي دارد در کنارش مشکلاتي هم دارد، مهم اين است که راضي باشد به اين تقسيم الهي. البته انسان مي تواند از خدا بخواهد مشکلاتش رفع شود، مي تواند از خدا بخواهد تو فيقاتش زياد شود. خدا هم ميدان را باز گذاشته ما قائل به «بداء» هستيم؛ يعني خداوند رزق کم را زياد مي کند، عمر کم را طولاني مي کند، عمر طولاني را کوتاه مي کند؛ روايت داريم و قرآن هم مي فرمايد: «يَمْحُو اللّهُ مَا يَشَاء وَيُثْبِتُ»[24] خدا چيزهايي را پاک مي کند و چيزهايي را جايگزين مي کند. انسان بايد دعا بکند و از خدا تغيير را بخواهد، اما هيچ گاه از آن چيزي که خدا پسنديده شکوه نکند. حضرت فرمود: اگر کسي اين پنج صفت را داشت شيطان روي او نفوذ ندارد. شما ببينيد اصحاب و ياران و فرزندان و خود اباعبدلله هيچ کدام بر مصيبت جزع نکردند، اباعبدالله هيچ گاه در زندگي اش اعلام عدم رضايت به تقسيم الهي نکرد. در همه جا اتکايش به خدا بود، همه جا تسبيح بود. با دعا شروع کرد و با دعا تمام کرد، هيچ گاه بر مصيبت جزع نکرد، حتي وقتي طفل شش ماهه اش روي دستش جان داد عرضه داشت: «الهي هَوَّنَ ليَ الامرِ لِأنّهُ بِعَينک»؛خدايا من راضي ام به اين مصيبت چون در مقابل توست چون تو راضي هستي. اگر کسي اين پنج صفتي که عرض کردم داشت قلبش فرودگاه شيطان نمي شود.

خدايا به عظمت ابا عبدالله قلب هاي همة ما را سليم، منيب و فرودگاه فرشته و الهام ملائکه ات قرار بده.

خدايا هواي نفس شيطان و وسوسه هاي او را از زندگي ما دور بگردان.

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

[1] نحل، 97.

[2] شعراء، 221.

[3] شعراء، 222.

[4] انعام، 121.

[5] زخرف، 36.

[6] فصلت، 30.

[7] شعراء، 221.

[8] بقره، 10.

[9] شعراء، 221.

[10] شعراء 88- 89.

[11] اعراف، 58.

[12] انعام، 121.

[13] بحارالانوار، ج 69، ص 295؛ ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، ص 255؛ امالي الصدوق، ص 528.

[14] الکافي، ج 2، ص 543؛ من لا يحضره الفقيه، ج 2، ص 272.

[15] توبه، 28.

[16] کنز العمال، ح 44154.

[17] توبه، 108.

[18] نحل، 98.

[19] بحارالانوار، ج 44، ص 366؛ کشف الغمه، ج 2، ص 29؛ مثير الاحزان، ص 41.

[20] مسکن الفؤاد، ص 55؛ ارام بخش دل داغديدگان، ص 144.

[21] الکافي، ج 3، ص 225؛ وسائل الشيعه، ج 3، ص 275؛ بحارالانوار، ج 74، ص 49.

[22] انسان، 8.

[23] بحارالانوار، ج 60، ص 248؛ الخصال، ج 1، ص 285؛ مواعظ العدديه، ص 400.

[24] رعد، 39.